

آیت الله العظمی گلپایگانی (رحمه الله) ، الگوی فقاہت و فضیلت (۲)

غلامرضا گلی زواره

اشاره - در شماره گذشته (مبلغان ۱۷۲) موضوع «الگوی فقاہت و فضیلت آیت الله العظمی گلپایگانی (رحمه الله)» ارائه گردید و در آن پس از اشاره به دوران کودکی و تحصیل مرحوم آیت الله گلپایگانی (رحمه الله) مباحثی همچون: «هجرت»، «تدریس»، «مرجعیت»، «زعامت حوزه» و ... مورد بررسی و تحریر قرار گرفت؛ اکنون ادامه این موضوع تقدیم می گردد.

در سنگر تبلیغ

آیت الله گلپایگانی (رحمه الله) با آن مقام علمی، بر فراز منبر می رفت و به عنوان عالمی دردآشنا، به موعظه می پرداخت. از آنجا که این مواعظ و خطابه ها از اعماق وجودی صادق با قلبی پاک و روحی مزگی برمی خاست، بیدارکننده و رشددهنده بود، و پژمردگی دلها را برطرف می کرد و روانها را صفا و طراوت می بخشید.

ایشان قبل از آنکه به منبر بروند به چندین منبع مراجعه می کرد و با بررسی آنها مطالب مستند، مفید و تأثیرگذار را برمیگزید و حتی کتاب مورد نظر را بر فراز منبر می برد و به طلاب و فضلا نیز توصیه می فرمود که حتماً برای امور تبلیغی و ترویجی کتابهای مفید و معتبری را با خود ببرند.

ایشان در مسجد حسین آباد قم شیوه مرحوم محدث قمی را که از روی کتاب موعظه می کرد، پیگیر بود. هنگام جلوس بر منبر برای حافظان حوزه، خصوص بینان گذاران فاتحه و دعا می خواند و روضه خوانی را نه تنها کسر شأن تلقی نمی کرد؛ بلکه ذکر مصائب اهل بیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به ویژه خامس آل عبا را افتخاری بزرگ برای خود معرفی می کرد.

هنگامی که در بیمارستان بستری بود و متوجه شد می خواهند ابا عبد الله (علیه السلام) را بخوانند، برای احترام عبا پوشید و عمامه بر سر نهاد و حاضر نشد با لباس کسالت مستمع روضه باشد و در تمام ایام موالید و سوگواری ائمه هدی (علیهم السلام) از دیرباز در بیت ایشان مجالس پرفیض و باشکوهی منعقد می گردید که اقشار گوناگون در آن حاضر می شدند. ایشان نسبت به خطباء، مداحان اهل بیت (علیهم السلام) و شاعران آیینی احترام و تکریم ویژه ای قائل بود. [۱]

آیت الله گلپایگانی سه نوبت نماز جماعت را در همان مسجد حسین آباد اقامه می نمود که آیت الله سید صدر الدین صدر بنا کرده بود و اقامه جماعت در آن را به مرحوم گلپایگانی واگذار نموده بود. مؤمنین و فضلاء بسیاری از فیض حضور در این مراسم پرفیض عبادی و معنوی برخوردار می گردیدند و برخی بزرگان گفته اند: هرگاه هنگام تحصیل در حوزه می خواستیم نمازی توأم با توجه بخوانیم، به این مسجد می رفتیم تا در نماز جماعت آن مرجع بزرگوار شرکت کنیم. این سنت ملکوتی همچنان تداوم داشت تا اینکه روزی کارگزاران رژیم استبدادی پهلوی به بیت ایشان هجوم بردند و فجایعی اسفبار به وجود آوردند که بر اثر آن معظم له دچار کسالت گردید و از آن روز نماز جماعت ایشان تعطیل شد. این وقفه همچنان ادامه داشت تا وقتی که مسجد، مدرسه و دارالقرآن آن مرجع والاتبار افتتاح گردید. بعد از آن در ماه مبارک رمضان نماز ظهر و عصر را در این مکان تازه احداث گردیده اقامه می نمود که افشار گوناگونی به خصوص طلاب و فضلا در آن حضور می یافتند. [۲]

تأسیس مراکز علمی، فرهنگی، آموزشی و رفاهی

آیت الله گلپایگانی به موازات تدریس و اشتغالات به مرجعیت و زعامت حوزه نسبت به احداث مؤسسات آموزشی، مذهبی، عمومی و خدماتی اهتمام داشتند که از جمله:

۱. مسجدی باشکوه در مساحتی بیش از هزار متر مربع که در سال ۱۴۰۵ ق در قم افتتاح گردید و ایشان هر ساله در ماه مبارک رمضان در آن اقامه جماعت می فرمود.

۲. به امر ایشان و پیگیریهای فرزند برومندشان مرحوم حاج سید مهدی گلپایگانی (رحمه الله) به سال ۱۳۵۲ ش مرکز دارالقرآن الکریم در شهر قم فعالیت خود را آغاز کرد که بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیتهای آن گسترده تر، عمیق تر و پربارتر گردید و کمیسیونها و بخشهای گوناگون آن به تلاشهای پژوهشی و فرهنگی مشغول شدند و آثاری نفیس و مفید به نگارش در آورده، به طبع رسانیدند. [۳]

۳. تأسیس مدرسه ای به وسعت چهار هزار متر مربع و با زیربنای چهارده هزار متر مربع، دارای چهل کلاس درس که هر روز حدود دویست و پنجاه مدرّس در آن به تدریس علوم و معارف اسلامی و دانش اهل بیت (علیهم السلام) اشتغال دارند. مدارس دیگر ایشان عبارتند از: مدرسه علوی، مدرسه الامام المهدی، مدرسه سّیّه، مدرسه علمیّه حاج محمدصادق و مدرسه الوندید که اینها در قم احداث گردیده اند. ایشان در دیگر شهرهای ایران و نیز کشورهای پاکستان، هندوستان و لبنان نیز مدارسی بنیان نهاده اند.

۴. کتابخانه عمومی که در بخش تحتانی مدرسه آیت الله گلپایگانی واقع در خیابان ارم قم، در موقعیتی ممتاز و نزدیک حرم مطهر استقرار دارد، این کتابخانه طبق آمارهای جدید حدود یکصد هزار جلد کتاب دارد که نسخه‌های نفیس خطی، کتب چاپی نادر و نیز آثاری به زبانهای گوناگون در آن نگهداری می‌شود.

۵. تأسیس مرکز «معجم المسائل الفقهیه» برای ترویج فقه و معارف آل محمد (صلی الله علیه و آله).

۶. مجمع جهانی اسلامی لندن در حوالی «هایت پارک» لندن شامل مسجد، کتابخانه، سالن سخنرانی و مرکز خدمات رایانه‌ای که به امور مذهبی، شرعی و حقوقی شیعیان کشور انگلستان رسیدگی می‌کند.

۷. بیمارستان آیت الله گلپایگانی واقع در قم، شامل بخشهای متعدد و مجهز.

۸. احداث شهرکی برای طلاب در محله چهل درخت قم، در سال ۱۳۵۳ ش.

۹. تأسیس دارالایتام لبنان.

۱۰. تعمیر اساسی مدرسه فیضیه قم، در سال ۱۳۴۸ ش.

۱۱. احداث قبرستان بقیع در شمال شرقی قم. [۴]

در میدان مبارزه

مرحوم گلپایگانی در زمره علمایی است که با بصیرتی ناشی از تقوا و زهد به میدان مبارزه گام نهاد و در نبرد با جلوه‌های فساد و ستم و ناروایی رژیم استبدادی شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی استوار و پایدار باقی ماند. در فرازی از یکی از پیامهای ایشان که مربوط به حوادث بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش است، آمده است:

«به آنها که می‌گویند روحانیت نباید در سیاست دخالت کند، اعلام می‌کنیم: دین ما اسلام و سیاست ما اسلامی است و مسلمان نمی‌تواند از سیاست و نظارت در امور کشور و مسائل جامعه اسلامی برکنار بماند، تا چه رسد به فقها و مجتهدین که دارای مقام زعامت شرعی و نیابت عامه هستند.» [۵]

هنگامی که رضا خان برنامه منحوس کشف حجاب را به اجرا در آورد، ایشان چون نمی‌خواست از این فرمان اجباری و توأم با خباثت و پلیدی پیروی کند، با پلیسی که در این باره به وی متعرض گردیده بود درگیر شد. [۶] در سال ۱۳۲۸ ش همراه امام خمینی (قدس سره) و چند نفر دیگر از علما درباره شایعه موافقت آیت الله بروجردی (رحمه الله) با مجلس مؤسسان رژیم پهلوی، از ایشان استفسار نمود و آن بزرگوار نیز این خبر را تکذیب کرد. [۷]

اولین مرحله مبارزاتی آیت الله گلپایگانی همگام با سایر مراجع و هماهنگ با امام خمینی (قدس سره) علیه رژیم شاهی پهلوی دوم، در ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی بود که در مهر ۱۳۴۱ ش روی داد، در این جریان هیأت حاکمه ضمن مصوبه‌ای قید اسلام را از انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان برداشته، در مراسم سوگند امانت و صداقت به جای قرآن، هر کتاب آسمانی آورده شده بود که معظم‌له در پیامهای متعددی این تجاوز صریح رژیم را به ساحت مقدس اسلام و قرآن محکوم کرد و علیه استبداد پهلوی به افشاگری پرداخت، و در بخشی از پیامی که برای شاه فرستاد، نوشت:

«در مملکتی که مذهب رسمی آن طریقه حقه جعفری است، با وجود قوانین تغییرناپذیر اسلام، جعل قانون و مقررات جامعه را به دست معدودی سپردن، توهین به ملت و بازگشت به اعصار پیش از اسلام و روشهای قرون وسطی است.» [۸]

و در تلگرافی خطاب به اسد الله علم (نخست‌وزیر وقت) هشدار داد:

«اگر کسانی تصوّر نمایند ممکن است با قدرت ارتش، قوانین خلاف شرع مقدس را بر مردم مسلمان ایران تحمیل نمایند، سخت در اشتباهند.» [۹]

در پی انقلاب سفید شاه و ماجرای رفراندوم و نیز مصادف بودن نوروز ۱۳۴۲ با سالروز شهادت امام صادق (علیه السلام) مراجع قم اعلام کردند که در این ایام جلوس نخواهند داشت و مجالس سوگواری منعقد نمی‌نمایند، آیت الله گلپایگانی در پاسخ به دعوت امام خمینی (قدس سره) در مدرسه فیضیه، روز ۲۵ شوال المکرم (سالروز شهادت امام صادق (علیه السلام)) مجلس سوگواری باشکوهی برگزار کرد که اقشار زیادی از مردم قم، زائرین، علما و طلاب در آن شرکت نمودند؛ اما این مجلس توسط عمال رژیم پهلوی که در لابلاهی جمعیت نشست‌ه بودند، به هم خورد. آنان به حضرات یورش بردند و عده‌ای را مجروح و مضروب و برخی را به شهادت رساندند.

دژخیمان در صدد بودند به ساحت مقدس مرجعیت؛ یعنی آیت الله گلپایگانی جسارت کنند که با رشادت و مقاومت ده‌ها روحانی، موفق نشدند به ایشان آسیبی وارد سازند. [۱۰]

مرحوم گلپایگانی در اعتراض به این وحشی‌گری مغولان عصر پهلوی خطاب به آیت الله میلانی یادآور گردید: «صحن مدرسه و فجایعی را که به چشم خود دیدم، هرگز فراموش نمی‌کنم، آن روز از جهل و کارگردانان آن فاجعه تأسف خوردم. خدا گواه است راضی بودم مرا به قتل برسانند؛ ولی در آن روز عزیز و در آن مکان مقدس با ارتکاب آن اعمال وحشیانه ایران را در نظر ملل دنیا بدنام ننمایند.» [۱۱]

در پی دستگیری امام خمینی (قدس سره) و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش آیت الله گلپایگانی (رحمه الله) به حمایت از ایشان برخاست و خاطرنشان ساخت: «مصادر امور مطمئن باشند اگر به بازداشت علما و مراجع اقدام کنند، فتاوا و احکام صادره از سوی آنان نافذ و بر هر مسلمان واجب الاتباع است و حریم احکام شرعی مقامی نیست که بتوان با زور و ارعاب در آن نفوذ کرد.» [۱۲]

در ماجرای تغییر تاریخ هجری و تبدیل آن به تاریخ شاهنشاهی، در آن اختناق شدید برآشت و در نامه‌ای خطاب به رییس مجلس شورای ملی وقت این کار را توهین به مقام مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و جوامع تلقی کرد. مقام معظم رهبری می‌فرمودند: «در زمانی که تاریخ هجری را به شاهنشاهی تبدیل کردند، فقط از قم یک صدا برخاست و آن هم صدای ایشان بود.» [۱۳]

در اعتراض به اهانت به ساحت امام خمینی (قدس سره) توسط مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات، در دی ۱۳۵۶ ش عده‌ای از طلاب و فضلا به سوی بیت ایشان حرکت کردند، مرحوم گلپایگانی متذکر گردید: «خداوند شما را تأیید فرماید که در مقابل اهانت به مقام مرجعیت و روحانیت احساس مسئولیت کردید. به اعتراضهای خود ادامه دهید و در این راستا مقاومت کنید.» [۱۴]

عصر روز ۱۳۵۷/۲/۱۶ مزدوران رژیم پهلوی با توحش تمام به بیت آیت الله گلپایگانی (رحمه الله) یورش بردند و با وقاحت و بی‌شرمی به شکستن، زدن، پاره کردن، اهانت نمودن و ایجاد رعب و هراس اقدام کردند و در برابر منزل معظم‌له عده‌ای را به شهادت رسانده، این مرجع مبارز را نیز مورد اهانت قرار دادند که ایشان به دلیل مشاهده آن ضرب و جرحها و انتشار گاز اشک‌آور دچار کسالت گردید و در وضعی اورژانسی به بیمارستان انتقال داده شدند و تا چند روز بستری بودند.

آن مرجع آگاه و بصیر در مناسبت‌های گوناگون و در موقعیتهای ویژه، در حمایت از انقلاب اسلامی ایران، افشای جنایات رژیم پهلوی و توطئه‌های استکبار، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، نامه‌ها، پیامها و تلگرافهای متعددی صادر نموده‌اند که اگر در مجموعه‌ای فراهم آید، به چندین مجلد بالغ می‌گردد. این ویژگی از روحیه مبارزاتی ایشان حکایت دارد، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز آن بزرگوار در تأیید و تقویت این نظام و تثبیت موقعیت رهبری آن و فراخواندن

مردم در انواع مشارکته‌ها، موضع‌گیری‌های روشنی داشتند. از روی دل‌سوزی، غیرت دینی و احساس مسئولیت به عنوان مرجعی بیدار و آگاه چندین‌بار نگرانی خود را از تحریک‌های ضد انقلاب، اختلاف‌های برخی کارگزاران، غائله بنی صدر، عملکرد برخی نهادها و ادارات و رسانه‌های عمومی اعلام کردند و امام خمینی (قدس سره) با استقبال از تذکرات و مراقبت‌های ایشان، سلامتی و عزت آن مرجع عالیقدر را از پیشگاه پروردگار متعال خواستار می‌گردید. [۱۵]

فضایل و مکارم

از اعماق وجود این مرجع خودساخته، روح ایمان، اخلاص و بندگی موج می‌زد و توانست یک قرن با صفای باطن زندگی کند و کرامت‌های اخلاقی و فضیلت‌های معنوی را در جامعه رواج دهد.

فقر یا ثروت، رفاه یا محرومیت، ساده‌زیستی طلبگی یا مرجعیت شیعیان جهان و زعامت حوزه‌ها، هیچکدام در روح وارسته او خللی به وجود نمی‌آورد. زندگی و رفتارشان چنان بود که می‌توان او را مصداقی از این آیه قرآن دانست: ((أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ)). [۱۶]

فطرت سالمی را که در ایام کودکی داشت به دور از غبارهای هوا و هوس در سن ۹۸ سالگی به سرای جاوید برد. وقتی رساله توضیح المسائل آیت الله بروجردی در قم به طبع رسید، در همان هنگام رساله، مختصر الاحکام آیت الله گلپایگانی نیز برای اولین بار چاپ شد و روی جلد آن نام آیت الله گلپایگانی درج گردید. وقتی ایشان مطلع گردید، دستور داد آن عنوان را از روی جلد بردارند و به جایش حجة الاسلام والمسلمین گلپایگانی بنویسند، سپس افزود: «اکنون آیت الله و مرجع تقلید آقای بروجردی است.» [۱۷]

ایشان از سنین جوانی به تزکیه درون آداب و سنت‌های دینی و موازین شرعی سخت پای‌بند بود و آن‌چنان تقیدی نسبت به مسائل حلال و حرام داشت که حتی از خوراکی‌هایی که مصرف آنها شبهاتی داشت، پرهیز می‌کرد. در ایامی که در مکتب‌خانه زادگاه خود می‌رفت، شاگردان هنگام ظهر غذای خویش را با هم می‌خوردند؛ ولی وی سر سفره آنان حضور نمی‌یافت و هر چه دوستانش اصرار می‌کردند، قبول نمی‌کرد و می‌گفت: شاید والدین این افراد راضی نباشند من غذای فرزندشان را بخورم.

آیت الله گلپایگانی اهل تهجد، ذکر، عبادت و نوافل بود و در سفر و حضر یک ساعت قبل از اذان صبح، بستر استراحت و خواب را ترک می‌کرد و مشتاقانه مشغول عبادت می‌گردید و قطرات اشک پیوسته از دیدگانش بر گونه‌هایش جاری می‌شد. بعد به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) می‌رفت و نماز صبح را در مسجد بالا سر حرم به جماعت اقامه می‌کرد و بعد از نماز تا طلوع آفتاب در محراب عبادت جلوس می‌نمود و مشغول

خواندن ادعیه و تلاوت قرآن می‌گردید. ایشان در زمان آیت الله بروجردی (رحمه الله) هنگام ایام البیض ماه رجب در مسجد امام حسن عسکری (رحمه الله) قم معتکف می‌شد. [۱۸]

حالات معنوی ناشی از عبادت، تقوا و تقیدهای شرعی چنان دل و ذهن این بزرگوار را صفا داده بود که وقتی به محضرشان می‌رفتیم، آرامش ویژه‌ای به ما دست می‌داد.

ارادتش به خاندان طهارت (علیهم السلام) توأم با معرفت و بصیرت بود. مجالس بزرگداشت اهل بیت و محافل سوگواری خاندان عصمت را شخصاً برگزار می‌کرد و در این مراسم حضوری فعال داشت و در مناسبت‌های گوناگون در منزل ایشان روضه‌خوانی صورت می‌گرفت، در سالروز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) پیشاپیش هیأت سوگواران برای عرض تسلیت به حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) به حرم آن بانوی باکرامت مشرف می‌گردید. عصر روز عاشورا خویشاوندان و آشنایان را فرا می‌خواند و برای آنان روضه می‌خواند و این سنت پسندیده را حتی در محرم ۱۴۱۴ ق (چند ماهی قبل از ارتحالشان) انجام داد و تأکید می‌نمود: می‌خواهم نامم در زمره روضه‌خوانهای حضرت سید الشهداء (علیه السلام) ثبت گردد.

هیچ‌گاه در مراسمات بدون عبا و عمامه نمی‌نشست. مرحوم آیت الله سید علی میلانی یادآور گردیده است: معظم‌له از کسانی بود که وقتی انسان با او ملاقات می‌کرد، بوی اهل بیت (علیهم السلام) را از ایشان استشمام می‌نمود و ناخودآگاه به یاد ائمه طاهرين (علیهم السلام) می‌افتاد. [۱۹]

روزی آن مرجع مجاهد و نستوه به سوی منزل خود به گروهی برخورد کرد که مشغول لهو و لعب و نوازندگی بودند. با مشاهده این وضع رگ غیرتش به جوش آمد و به سوی آن جمع عیاش و هوسران یورش برد و با عصایش دنبک آنان را شکست، آنان اگرچه از این وضع آشفته و پریشان گردیدند؛ ولی صلابت معنوی آیت الله گلپایگانی مانع از این گردید که به ایشان اسائه ادب کنند. [۲۰]

هنگام اجرای برنامه ننگین کشف حجاب ماشین ایشان همراه خانواده برای شرکت در مجلس سوگواری سید الشهداء (علیه السلام) در حال حرکت بود، ناگهان پاسبانی جلو آمد و با اعتراض گفت: چرا این خانم با حجاب بیرون آمده است؟ آیت الله گلپایگانی به شدت ناراحت شد و دست پیش برد که اسلحه‌اش را بردارد. مأمور گفت: این سلاح پر از گلوله و خطرناک است. معظم‌له گفت: گلوله‌اش بیرون برود و به سوی من شلیک گردد تا از دست شماها رهایی یابیم. آخر این وقت شب چرا متعرض ما می‌گرددی و خانواده‌ای را ناراحت می‌کنی؟ [۲۱]

اغتنام از فرصتها، همت والا و اراده‌ای آهنین از دیگر خصال این مرد خدا بود. در تمام مراحل تحصیل و تدریس در جهت تقویت مبانی علمی خویش، عبادت و خدمت به مردم و صیانت از دیانت استفاده می‌کرد. با وجود آنکه روزگارانی را در حالتی توأم با فقر، گرانی، قحطیها سپری کرده و ایامی از عمر را با رنج و مشقت گذرانده بود؛ اما این ناملایمات و ناگواریها باعث نمی‌گردید از فرصتهای پیش آمده استفاده نکند. در ایام تحصیل و اقامت در مدرسه فیضیه دچار کسالت و تب و لرز گردید، به نحوی که قادر به حرکت نبود، به دوستان گفت: مرا با بستر منبر استاد در مدرسه بخوابانید تا از فیض درس محروم نمانم. ایشان به طور مداوم و پیوسته مشغول مطالعه و غور و تفحص در منابع روایی، کلامی، رجالی و تفسیری بود. [۲۲]

غروب ستاره فقاقت

سرانجام در شامگاه هجدهم آذرماه سال ۱۳۷۲ برابر با ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۱۴ ق بعد از یک قرن تلاشهای فکری و علمی و تحمل رنجهای فراوان برای احیای ارزشهای قرآنی و روایی در بیمارستان شهید رجایی تهران به سوی دیار قدس و ملکوت پر کشید. پیکر آن عالم ربّانی عصر روز جمعه ۱۳۷۲/۹/۱۹ ش با حضور اقشار گوناگون تهران و شخصیت‌های کشوری، لشکری، حوزوی و دانشگاهی از بیمارستان مذکور به سوی میدان راه‌آهن تشییع گردید. مقام معظم رهبری > در این مراسم حضور یافتند. در شنبه بیستم آذر ۱۳۷۲ ش پیکر ایشان از مسجد امام حسن (علیه السلام) با حضور اقیانوسی از جمعیت قم و شهرستانهای دیگر، زائرین، علما و روحانیت به سوی حرم مطهر تشییع گردید و بعد از اقامه نماز توسط دامادشان آیت الله صافی گلپایگانی در مسجد بالا سر حرم در جوار مرقد آیت الله حائری دفن گردید. مقام معظم رهبری > در فرازی از پیام تسلیت که به مناسبت رحلت ایشان صادر نمودند، فرمودند: «عالم بزرگ، فقیه نام‌آور، مرجع تقلید عظیم الشان، عبد صالح و تقی زکی آیت الله العظمی گلپایگانی قدس الله نفسه و اعلی الله مقامه، پس از عمری مشحون از حسنات با نامه عملی سرشار از خیرات و مبرّات دعوت معبود را لبیک گفتند.» [۲۳]

[۱] جلوه‌هایی از حیات آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی، علی مختاری، پیام حوزه، سال اول، ش اول، ص ۷۲؛ خورشید آسمان فقاقت و مرجعیت، علی کریمی جهرمی، دارالقرآن کریم، قم، ۱۳۷۳ ش، صص ۱۹۱، ۲۰۲ و ص ۲۰۳؛ نوری از ملکوت، مهدی لطفی، نشر برگزیده، قم، ۱۳۸۰ ش، صص ۷۱ - ۷۲.

[۲] خورشید آسمان فقاقت، ص ۷۸؛ نوری از ملکوت، صص ۷۳ - ۷۴.

[۳] نک: دارالقرآن الکریم آیت الله گلپایگانی، پیام حوزه، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۷۴.

[۴] تربت پاکان قم، عبدالحسین جواهر کلام، انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۸۲ ش، ج ۳، صص ۱۶۴۰ - ۱۶۳۹؛ نوری از ملکوت، صص ۱۰۰ - ۱۱۲؛ گزارش عملکرد و فعالیت کتابخانه آیت الله گلپایگانی در سال ۱۳۹۱، به قلم مدیریت کتابخانه جناب آقای عربزاده، گزارشهای میدانی که نگارنده به دست آورده‌ام.

[۵] اسناد انقلاب اسلامی، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ج اول، ص ۱۱۷.

[۶] دیدار با ابرار، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۳ ش، ج ۳۳، ص ۶۲.

[۷] صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله)، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ج اول، ص ۲۶.

[۸] اسناد انقلاب اسلامی، ج اول، ص ۲۷.

[۹] همان، صص ۲۹ - ۳۰.

[۱۰] نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۷۷ ش، ج ۳، صص ۲۳۷ - ۲۳۸؛ یکصد سال مبارزه روحانیت مرقی عبد الرحیم عقیقی بخشایشی، نشر نوید اسلام، قم، چاپ اول، ۱۳۶۱، ج ۲، صص ۸۶ - ۸۷.

[۱۱] اسناد انقلاب اسلامی، ج اول، صص ۹۵ - ۱۰۰.

[۱۲] همان، ص ۱۰۴.

[۱۳] یادواره نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، کتابخانه مرکز اسناد و مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ص ۸۶؛ نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۷، ص ۱۲۳.

[۱۴] درباره قیام حماسه آفرینان قم و تبریز، نهضت آزادی ایرانیان خارج از کشور، نشر نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)، بی جا، ۱۳۵۶ ش، ص ۴۰.

[۱۵] صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۵؛ ج ۱۴، ص ۱۹۴؛ ج ۱۵، صص ۲۲۶ و ۳۱۱.

[۱۶] بخشی از آیه ۱۷۷، سوره بقره.

[۱۷] در سایه خورشید، خاطره‌ای از آیت الله مسعودی خمینی، کیهان، ۱۳۸۱/۱۰/۱۶.

[۱۸] نوری از ملکوت، صص ۱۲۳، ۱۲۷ و ۱۲۸.

[۱۹] همان، ص ۱۲۴.

[۲۰] روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۱۸، ش ۵۳۶۶، ص ۱۰/

[۲۱] همان، مقاله فقیه و پارسای اهل بیت، دوشنبه ۱۳۸۱/۹/۱۸، ش ۶۷۹۸، ص ۱۲.

[۲۲] مجله پیام حوزه، سال اوّل، ش اوّل، ص ۷۰.

[۲۳] روزنامه کیهان و اطلاعات، ۲۰ آذر ۱۳۷۲.